

بخشی از گزارش گروه علمی فلسفه، کلام و معارف اسلامی در جلسه اختتامیه همایش (۳ دی ماه ۱۳۸۳)

از جناب آقای دکتر نصرالله پورجوادی

به نام خدا

ظاهراً قرار بوده که گزارش گروه فلسفه و کلام و عرفان را آقای دکتر مهدی محقق بدهند، ولی چون ایشان تشریف ندارند، به‌هرحال این موضوع را به بنده محول کردند و قبلاً هم باید عرض بکنم که چون آمادگی نداشتم و در همه جلسات شرکت نکرده بودم، نمی‌توانم گزارش جامعی خدمتتان عرض بکنم، ولی از آن جلساتی که در آن حضور داشتم و همچنین خلاصه‌هایی که به دست من دادند، باید عرض بکنم که ۲۰ سخنرانی قرار بود که در گروه فلسفه و عرفان و کلام ارائه بشود که از این میان، دوسومش ارائه شده و یک‌سومش به دلیل غیبت سخنرانان قرائت نشد. مقالات و عمده مقالات هم در زمینه تصوف و عرفان بود، از قبیل طریقه نقشبندیه، مولوی و انسان آرمانی در عرفان و همچنین صوفیان پاکستان و تأثیری که ایران در آن‌ها داشته است. البته بعضی از سخنرانی‌ها به زبان انگلیسی ایراد شد. قرار بود بیشتر این سخنرانی‌ها به زبان انگلیسی باشد که درواقع آن کسانی که غیبت کرده بودند، جزء این دسته از سخنرانان بودند. به‌طورکلی باید عرض بکنم که جنبه فلسفی این گروه ضعیف بود. خُب شاید به دلیل این باشد که سابقه زبان‌شناسی و زبان‌شناسان هم چندان با فلسفه روی خوش نشان ندادند و بیشتر مسائل اجتماعی و فرهنگ عامه و ... — البته ما رشک می‌بریم به گروه فرهنگ عامه و همچنین به گروه زبان‌شناسی که کارشان پُررونق بوده، مطمئنم آقای دکتر داوری هم همین احساس را دارند. فلسفه به‌هرحال ما باید توجه داشته باشیم، من نمی‌خواهم انتقاد بکنم، بلکه می‌خواهم بگویم که ما در آینده خومان باید چه کار بکنیم، چون در عالم اسلام، مهم‌ترین کشور برای تاریخ فلسفه، ایران است بدون شک. فلاسفه اسلامی به استثنای معدودی از آن‌ها که در قرون اولیه در بغداد بودند یا بعداً در اندلس بودند، بقیه همه ایرانی بودند و جا دارد به‌هرحال ما درباره فلسفه و ارتباطش با ایران‌شناسی، تحقیقات بیشتری بکنیم، به‌خصوص در مورد تاریخ علوم عقلی در شهرهای خودمان در گذشته، شیراز علی‌الخصوص، اصفهان، شهرهای آذربایجان، خراسان این‌ها همه مهد فلسفه بودند و ما خوب است که فلسفه را هم وارد بکنیم به این

زمینه‌های ایران‌شناسی و همچنین علوم عقلی و مباحث عرفانی که جای خودش دارد. ببخشید از این‌که من یک مقدار خارج از گزارشم صحبت کردم.